



شقاوت شکارچی و گرفتاری شکار مطرح شده است، شکار همچنین از تفریحات پادشاهان بود چنان که در دیوان فرخی سیستانی آمده است که:

چهار گزین بود خسروان را کار

نشاط کردن چوگان و رزم و بزم و شکار

در واقع شکار جایگاهی در شعر و ادب مخصوصاً اشعار رزمی و تاریخی در سبک‌های مختلف و حتی اشعار لطیف داشته است.

در گرشاسب‌نامه حکیم ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی آمده است:

به شبگیر کردند رأی شکار

که بُد روز نخجیر و گاه بهار

رُخ باغ بُد ز ابر سسته به نم

فشانان ز گل شاخ بر سر درم

ز درد خزان در دل زاغ زینغ

هوا بسته از لشکر ماغ میغ

شده لاله از زاله پر دُر دهن

ز پیروزه پوشیده گل پیرهن

ز میغ روان چرخ چون پر چرخ

بر آواز رامشگر از مرغ مرغ

تو گفתי هوا نافه کافد همی

زمین حله سبز بافد همی

همچنین در دیوان فرخی سیستانی به این بیت بر می‌خوریم:

هوا خرم از نسیم، زمین خرم از لباس (گلها)

جهان خرم از جمال، ملک خرم از شکار

قالی‌های شکارگاهی

نسترن نیک‌نژاد*

در اشعار فردوسی و دیگر اشعار رزمی و بزمی مانند هفت‌بیکر نظامی بهترین توصیف از شکار نمایان است:

برآراست یک روز بس شهریار

شد از شهر بیرون ز بهر شکار

به خوان و نیید و شکار و نشست

همی بود با شاه یزدان پرست

بدان روزگار اندر اسفندیار

به دشت اندرون بد برای شکار

در فرهنگ آندراج شکار چنین معنا شده است:

باید دانست که قصد کشتن آدمی هر حیوانی را در عرف

«شکار» نام است و گاه به معنی شکار کرده شده و

حیوانی که شکار کردنش مطلوب بود نیز آید. سنجر

کاشی: «جرگه مژگان او چو دیدم گفتم در همه دشت

یک شکار ندارد».

شکار در کشور ما بیشتر جنبه تفریحی داشته است.

البته این عمل یک ورزش است که روح عالی از

شکارچی را تداعی می‌کند. بعضی از اوقات انسان

فرصت انجام دادن آن را دارد و این عمل همراه هیجان

همدم شکارچی در طول شکار است.

در فرهنگ فارسی معین لغت «شکار» به مفهوم

«هر حیوانی که صید شود» آمده است. پس گاه شکار به

صورت فعالیت جسمی وسیله‌ای برای گذراندن اوقات

فراغت بزرگان و علاقه‌مندان بوده و معمولاً با مجلس

بزم پایان می‌پذیرفت، و گاه مفهوم شکار، عملی

شجاعانه و مردانه تلقی گشته و مهارت در شکار اوج

شخصیت و مردانگی شکارچی را می‌رساند، گاه تعقیب

بیرحمانه شکار و به دام افتادن آن به وسیله مرغان

شکاری شاهین و باز، بازگو شده است و بی‌رحمی و

موضوع شکار از زمان‌های گذشته دارای اهمیت فراوان است. طرح شکارگاه در قالی و اصولاً موضوع شکار در جهان به صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شود و در زمان‌های مختلف موضوعات متنوعی را ایجاد می‌کند. از آن جمله است:

۱. شکار برای تجارت، صادرات پوست و مو و

گوشت (در زمان‌های گذشته پوشیدن پوست حیوانات

گاهی برای به دست آوردن نیروی آنها بود. چنان که در

مورد پوست شیر که هرکول بر تن می‌کرد.)

۲. شکار برای تفریح.

۳. شکار حیوانات وحشی و عظیم‌الجثه مانند شیر،

ببر، پلنگ و غیره.

* موزه‌دار موزه فرش ایران.

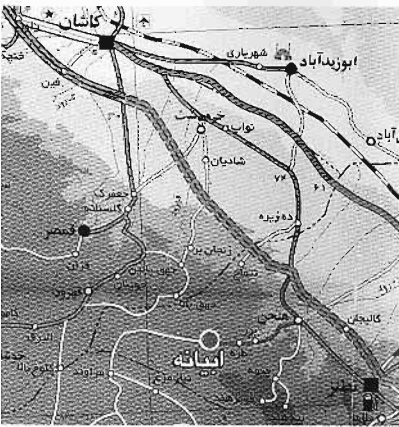
ایبانه، میراثی کهن

حمیدرضا ایبانه

مردم ایبانه نسبت به حفظ سنتها و اصالت‌های خود تعصبی خاص دارند و از گذشته‌های دور به فرزندان کم و تحصیل اهمیت فراوان می‌دهند. اکثر کهنسالان روستا باسوادند و با ادبیات کهن ایران چون شاهنامه فردوسی و بوستان و گلستان سعدی آشنایی کامل دارند. مردم ایبانه در هر موقعیتی که باشند سعی می‌کنند در ایام تاسوعا و عاشورا و نوروز باستانی به زادگاه خود بازگردند.

در ایبانه برای اجرای مراسم تاسوعا و عاشورا نمادی به نام نخل وجود دارد که در این دو روز به وسیله پارچه‌های قدیمی رنگارنگ و وسایل نفرهای زینت می‌یابد. فردی روی نخل می‌نشیند و عده‌ای موظفند هر ساله پایه‌های نخل را بلند کنند و با ذکر «یا حسین» در کوچه‌های ایبانه بگردانند. نشستن روی نخل میراثی است که به بعضی خانواده‌های ایبانه‌ای می‌رسد. نکته جالب اینجاست که این رسم به دختر خانواده هم می‌رسد. او می‌تواند همسر یا فرزند ذکورش را روی نخل بنشانند. پس از اتمام تعطیلات، ایبانه خالی از هیاهو می‌شود. در این زمان نفس‌های سالخورده‌گان روستا سکوت کوچه‌ها را درهم می‌شکند.

روستای ایبانه در تاریخ ۱۳۵۴/۵/۳۰ به شماره ۱۰۸۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



از کاشان، شهری با تمدنی به قدمت تپه‌های سیلک، برای دیدار گوشه‌ای دیگر از میراثی کهن به سمت نطنز در حال گذریم. در میانه راه با ورود به جاده‌ای فرعی، پرپیچ و زیبا و با گذر از چند روستا، ایبانه به تدریج هویدا می‌شود.

اینجا مکانی است که ما را بی‌اختیار به اعماق تاریخ ایران زمین می‌برد. گویی در یک موزه زنده معماری و فرهنگی گام برمی‌داریم. کوچه‌های پیچ در پیچ سرخگون، درختان سر به فلک کشیده، جامه‌های سنتی مردان و زنان و سالخورده‌گانی که خزان عمر را در دل وطن می‌گذرانند همگی حکایتی دیرین از این دیار است.

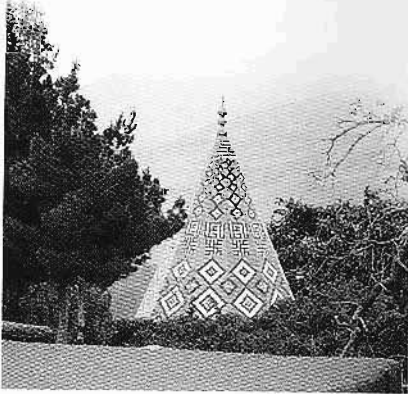
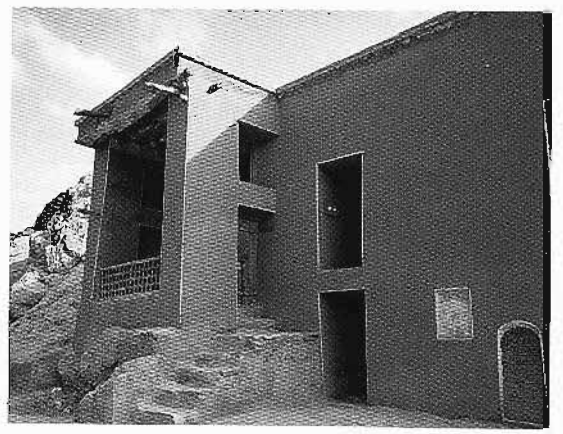
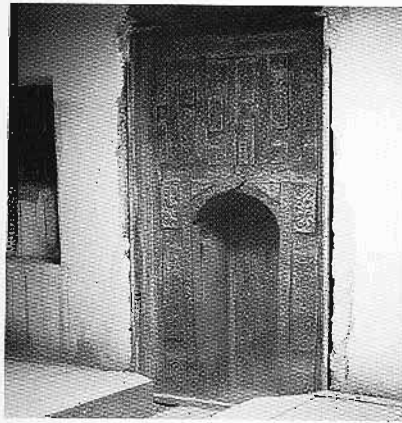
روستای تاریخی ایبانه که کوه کرکس با قامتی استوار و بلند بر آن سایه افکنده گویا زمانی بیدستان بوده است. این روستا دارای سه محله به نام‌های، یوسمان، پل و هرده است و با وجود این که ایبانه در یک منطقه مرتفع قرار گرفته است، برای حفاظت از محله‌های مذکور سه قلعه بنا شده بود تا در مقابل تهاجمات از روستا محافظت شود.

خانه‌های روستا دارای ساختار خاصی در کوچه‌های باریک شب‌دار، به صورت پلکانی، در دامنه کوه و بر روی سنگ‌های رسوبی سبزرنگ واقع شده‌اند. دیوارها با کاهگل قرمز رنگ به زیبایی زینت یافته‌اند.

به هنگام عبور از کوچه‌های ایبانه ممکن نیست به کوچه بن بست برخورد کنیم، کوچه‌ها هر یک به گونه‌ای با یکدیگر پیوند خورده‌اند.

در مورد بنای اولیه روستا برخی کهنسالان روستا معتقدند که ایبانه قدیم در جوار مکانی به نام قلعه نژاتون در بیرون ده و قسمت جنوب شرقی قرار داشته است که بعدها بر اثر زلزله تخریب شده و ایبانه کنونی شکل گرفته است. سبک خانه‌سازی در ایبانه جدید احتمالاً به پیش از اسلام باز می‌گردد. اما اوج رونق این روستا در زمان صفویه بوده است. وجود دو خانقاه در روستا شاهد دیگری بر این مدعا است.





پژوهشگاه

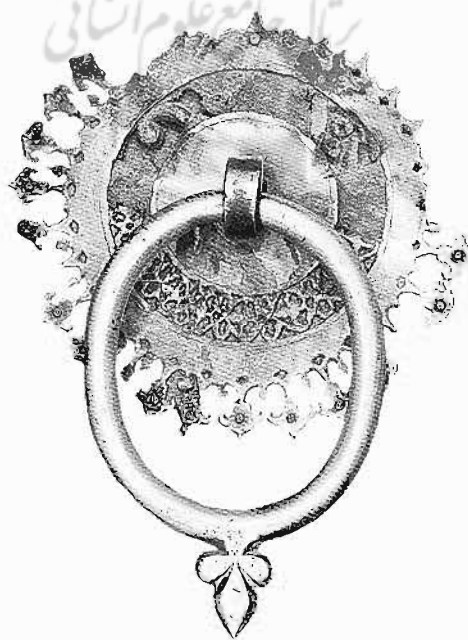
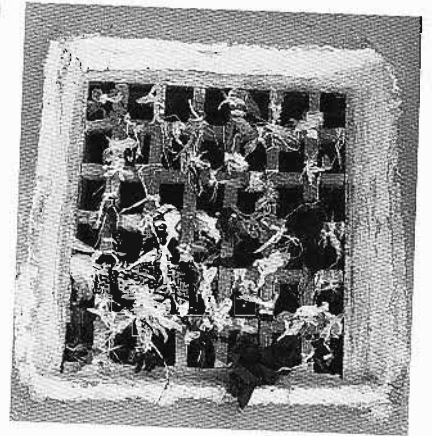
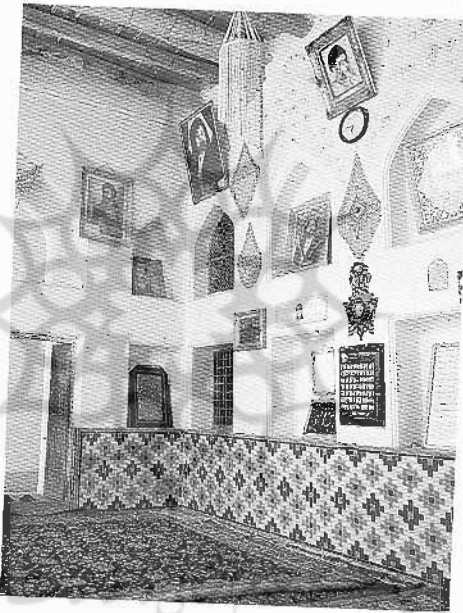
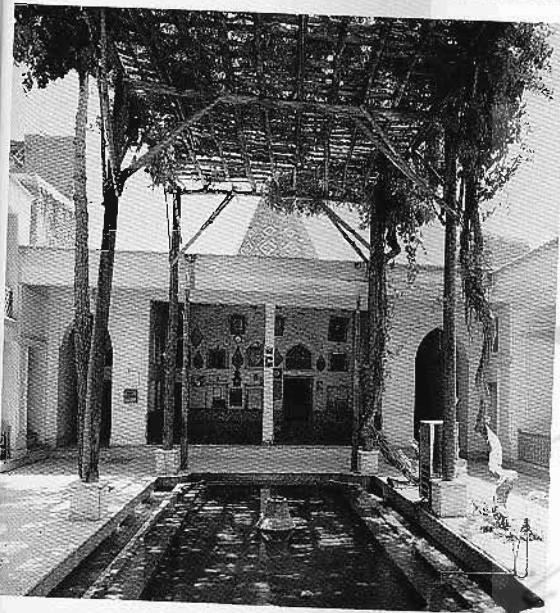
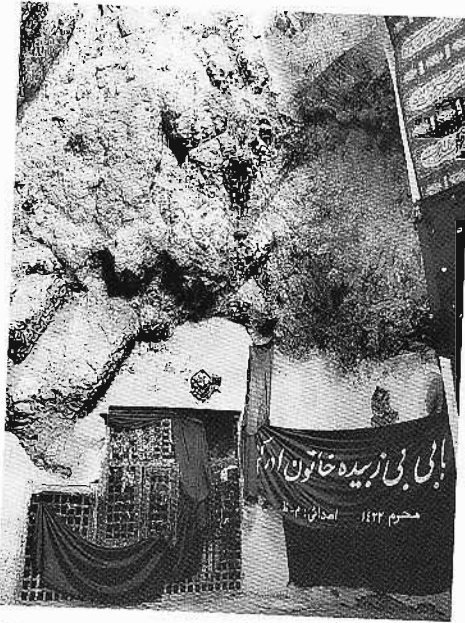
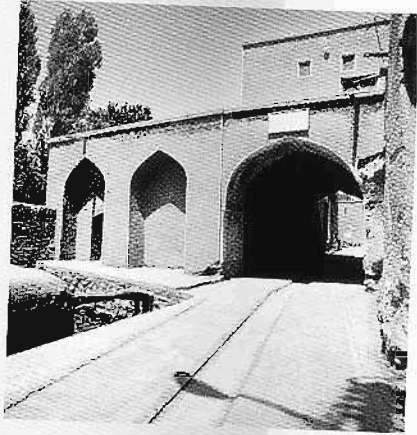
رتال جامع علوم انسانی





پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني



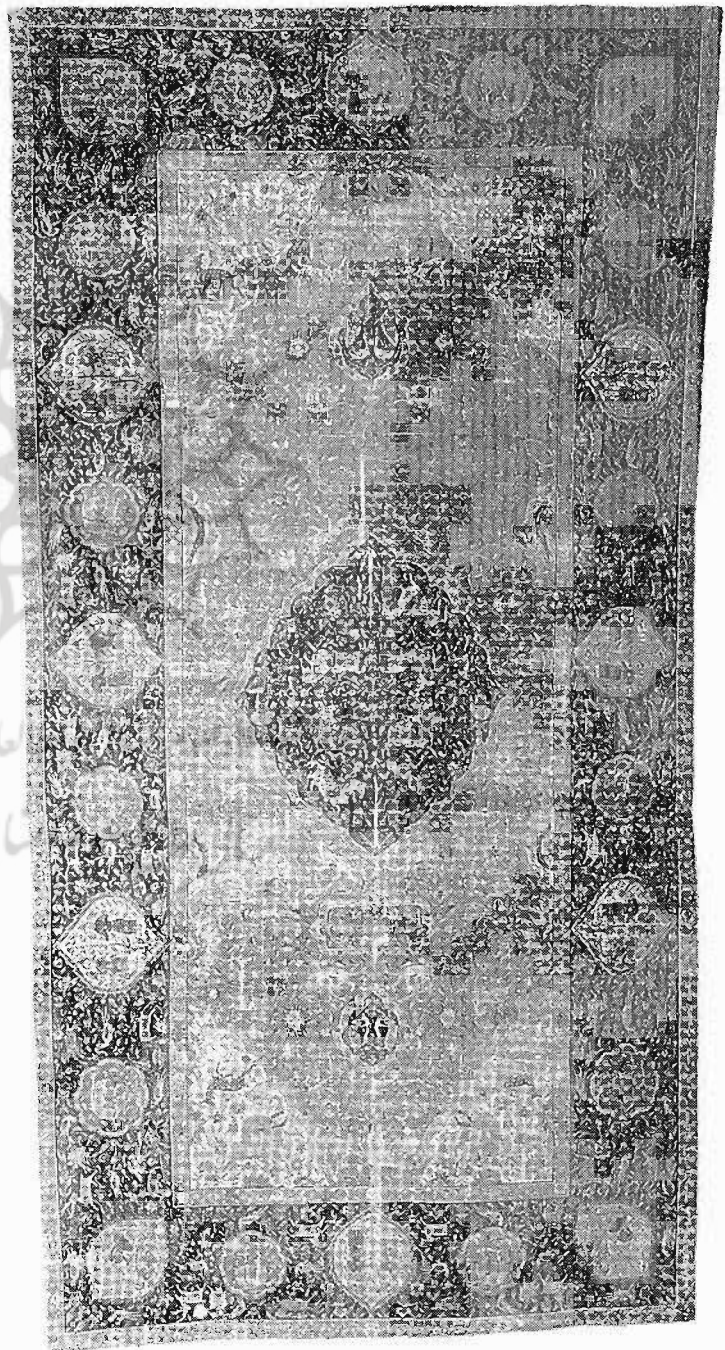
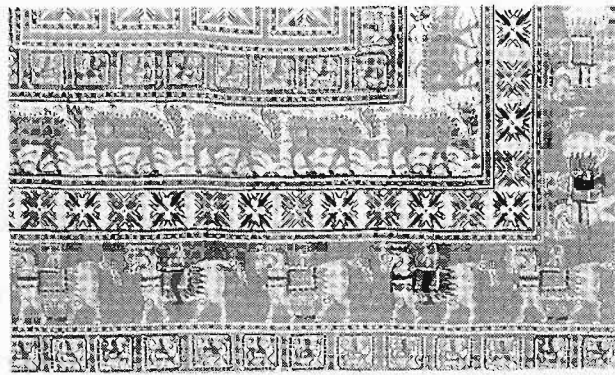


تراجم علم انسانی

یک نمونه از وضعیت شکار را می‌توان در داستان سمک عیار پیدا کرد که نوشتهٔ منحصر به فردی متعلق به قرن دوازدهم است. خورشید شاه هفده ساله «از بهر شکار بازان و شاهین و چرخ و یوز و سگ و آنچه بدین ماند بسیار داشتی. بفرمود تا همه بیرون بردند و شاهزاده از بازخانه انگشت‌بانه و دست‌بانه خواست، و بازی که شاهزاده می‌خواست بازی همچون کافور (بود) که در قرنی بازی هم چنان نبود و آن پیوسته بر دست خود برداشتی و به شکار رفتی. شاهزاده باز بر دست نشاند و فرخ‌روز برادرش با وی همراه روی به شکار نهادند و غلامان و لشکر با وی، و به شکارگاهی رسیدند. آن روز آنچه یافتند بیفکندند. چون شب درآمد هر چه بود به شهر فرستادند. آن شب با خاصگان شراب خورد تا آن ساعت که آفتاب برآمد. شاهزاده از بازدار باز خواست، با برادر فرخ‌روز و سپاه روی به کوه نهادند تا شکار روی به مرغزار نهند و سواران به راهها زدند. خورشیدشاه بفرمود تا یوزان و سگان برآغایندند و سواران به تیر بسیار بیفکندند. خورشیدشاه بفرمود تا جمله به بارگاه مرزبان‌شاه بردند... روز [که] روشن شد دیگر باره به شکار مشغول شدند. هر چه می‌گرفتند می‌افکندند. به شهر می‌فرستادند تا مدت یک هفته برآمد. یک روز بامداد شاهزاده با سپاه قصد تماشا کرد که مرغزار خوش و خرم پیش آمد. شاهزاده گفت امروز شکار نکنیم. اینجا فرود آییم که جایگاهی خوش است. لشکر فرود می‌آمدند و خیمه و خرگاه می‌زدند و چارطاقی از برای شاهزاده بر پای کردند. شاهزاده گفت تا شما فرود می‌آیید من ساعتی بی‌غلبه در این صحرا تماشا کنم. اگر شکاری باشد بیفکنیم. پهلوانان گفتند آنچه شاهزاده رای بیند آن کند».

شاردن، جهانگرد فرانسوی، طی دو سفر طولانی در ایام صفویه در سفرنامهٔ خود آورده است که «ایرانیان در پرورش طیور صیاد اعجاز می‌کنند، حتی کلاغ را نیز تربیت می‌نمایند. آنان از اوان جوانی شیفتهٔ شکار هستند، و حتی بسیاری از افراد عادی نیز صید را دوست دارند؛ برای شکارهای بزرگ از قبیل شیر، پلنگ، ببر، یوز و یوزپلنگ از حیوانات درندهٔ تربیت شده استفاده می‌کنند. ایرانیان این حیوانات تربیت شده را یوز می‌نامند. اینها به هیچ وجه درصدد آزار آدمیان بر نمی‌آیند. یک نفر سوار یکی از جانوران مزبور را که چشمانش با سجافی پوشیده شده، و با زنجیری بند گشته است، در ترک مرکوب خود حمل می‌کند؛ و بر سر راه حیواناتی که مورد تعقیب هستند توقف می‌نماید، و دیگران حتی الامکان کوشش می‌کنند که صید کاملاً از مجاورت او عبور نماید. هنگامی که سوار یکی از شکارها را مشاهده می‌کند، چشمان حیوان را باز و سرش را به طرف صیدی که دنبال می‌شود، برمی‌گرداند. تا شکار را از پای در می‌آورد».

یکی از بزرگترین سرگرمی‌های پارسیان شکار بود

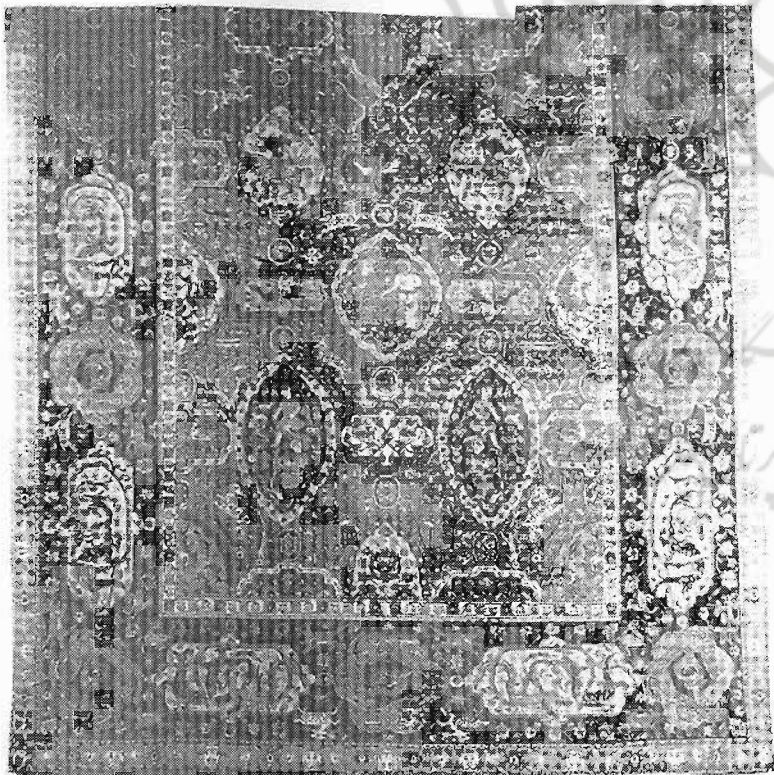


و چندان اهمیت داشت که دولت به شکارگران حرفه‌ای
مواجب می‌پرداخت. در شکار همواره از اسب استفاده
می‌شد. شکارگر زوبینی به سوی جانور پرتاب می‌کرد،
یا با سنگ فلاخن و تیرکمان شکار شیر را از پای
درمی‌آورد. گوشت شکار را به خانه برده تقسیم
می‌کردند. بزرگان و شاهزادگان در شکار ورزیده بودند.
مهری از داریوش بزرگ داریم که در موزه
بریتانیاست و او را نشان می‌دهد که بر گردونه دو اسبه
ایستاده با تیر و کمان شیری را از پای درآورده و شیر دیگر
را نشانه گرفته است. در واقع عمل شکار از کارهای
نمایان به شمار می‌رفت. همچنین هنرمندان دوره
اشکانیان از موضوع شکار الهام می‌گرفتند، چنان که در
خرابه‌های دورا اوریوس در کوه خواجه سیستان،
پرستشگاه مهر، نقاشی دیواری از خدای مهر سوار بر
اسب و در حال شکار در حدود سال ۲۲۰ میلادی بر جا
مانده است.

تصویر برخی از حیوانات و صحنه شکار از نقوش
رایج در بسترهای مختلف دیده می‌شود مانند آثار متنوع
و مشهور دوره ساسانی که می‌توان نقش برجسته کامل
شکارگاه بر کوه طاق بستان کرمانشاهان و نقاشی
دیواری صحنه شکار آهو در شوش، منتسب به سده ۴
میلادی و همچنین نقوش تزیینی بیشتر بشقاب‌ها و
جام‌ها و سایر ظروف سیمین و زرین ساسانی که در
نهایت زیبایی حکاکی و برجسته‌سازی شده‌اند، شامل
صحنه‌های شکار، رامشگران، حیوانات یا تصویر شاه را
بر آنها دید. مثلاً در یک بشقاب نقره ساسانی صحنه
شکار خسرو اول در نهایت دقت و مهارت ساخته شده
است.

نقش و طرح حیوانات یکی از طرح‌های رایج و
متداول در قالی‌های ایرانی است و قدیمی‌ترین تصویر
حیوانات بر روی قالی تصاویری از گوزن‌های شمالی،
اسب‌ها به همراه اسفنگس‌ها در منطقه پازیریک پیدا
شده است. در حال حاضر این قالی در موزه ارمنستان
نگهداری می‌شود. قالی «پازیریک» منقوش است و
کارشناسان از روی نقش‌های آن بیان می‌کنند: «که
اشکارا نقش‌های تخت جمشید را به یاد می‌آورند» و آن
را یک قالی هخامنشی می‌دانند. اگرچه از این دوران
نمونه مشخصی موجود نیست لیکن آن طور که از
قراین پیداست، فرش ایران در دوره ساسانی شهرت و
اعتبار جهانی داشته است چنان که در سالنامه چینی
«سونی‌سو» (su-su) در این دوره از فرش پشمی
ایران به عنوان کالای وارداتی به چین نام برده شده
است.

خرابه‌های باستانی تخت جمشید منبع الهام‌بخش
همیشه جاویدانی هستند و منبع الهام هنرمندان بر روی
بسترهای مختلف بوده‌اند و در آن جا نبرد پادشاه با شیر
بالدار عقاب پنجه از تمام اینها زیباتر است.
چون که مواد اولیه قالی یعنی پشم و نخ به مرور



زمان می‌پوسد شواهد زیادی از قدیم در دست نداریم.
البته از جمله قدیمترین فرش‌های به دست آمده،
نمونه‌هایی از ترکستان شرقی هستند که قدمت آنها به

سده سوم تا پنجم میلادی می‌رسد و نیز بخش‌هایی از دستیافته‌های سلجوقی آسیای صغیر که در اوایل سده حاضر در مساجد علاءالدین، قونیه و اشرف اوغلو در بی‌شهر ترکیه به دست آمده‌اند. البته این خلأ مدارک و شواهد را می‌توان تا حدودی با نگرش و توجه بیشتر از تصاویر مینیاتورهای دوره‌های مختلف پر کرد.

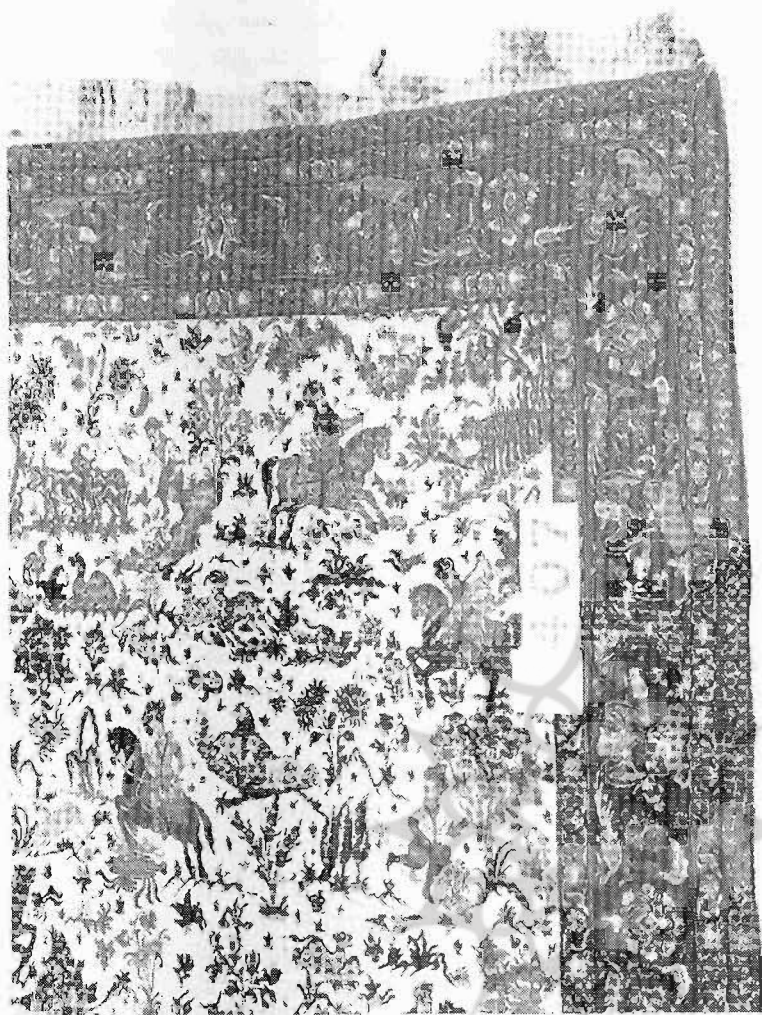
در میان قالی‌های زیبایی که هر کدام شاهکار هنری به شمار می‌رود تعداد بسیار محدودی قالی با نگاره و پیکره حیوانات و انسان‌ها بافته شده است و این نشانگر این نکته است که هنرمندان بافنده ایرانی مسلمان همواره از به کار بردن این نوع نگاره اجتناب می‌کرده‌اند. اما از حدود سده نهم ه.ق. به کار بردن نقش بعضی از حیوانات در متن قالی‌ها، متداول گردید. طرح شکارگاه در زمینه‌های مختلف جلوه می‌کند از قبیل شکارگاه لچک ترنج، شکارگاه سراسری، شکارگاه گرفت و گیر و قابیابی با نقش گرفت و گیر.

شکارگاه لچک ترنج

از این دسته قالی‌ها می‌توان به صحنه شکارگاه از مجموعه فرش‌های موزه پولدی-پتسولی میلان و مجموعه سنگشکو و قالی موجود در موزه هنر و صنعت اتریش (وین) اشاره کرد.

ابتدا به قالی میلان اشاره می‌شود که در زمینه آن شکارچیان با هیأت و طرز لباس زمان صفوی دوره شاه طهماسب یا عمامه به دور کلاه و به حالت تاخت و تاز بر روی متن دیده می‌شود. در حاشیه قرمز رنگ گروه‌هایی از حوری‌ها نشسته‌اند و در مقابل پیش‌زمینه آن پرندگان، بندهای ابری و گل‌ها دیده می‌شوند. ویژگی خاص متن آن این است که شباهت به صحنه‌های شکار از مینیاتورهای کشیده شده معاصر آن زمان، بویژه آنها که توسط «سلطان محمد» نقاش بزرگ دوره شاه طهماسب نقاشی شده‌اند، دارد. تصویر حیوانات بر این فرش بسیار زنده و طبیعی نقش شده است و حرکت آنها در حال گریز در عالیترین شکل تجسم یافته و تعداد و تنوع آنها و همچنین استفاده از بیش از ۳۰ رنگ مختلف در کمتر فرشی نظیر دارد. همچنین نام بافنده آن «غیاث‌الدین جامی» و تاریخ بافت آن «۹۴۹ ه.ق.» خوانده می‌شود. این قالی در گذشته از اموال سلطنتی بوده که به چند بخش قطعه قطعه شده و بعداً دوباره دوخته شده است. ملکه انگلیس (مادر مارگریت) آن را به امانت در اختیار موزه گذاشته است.

نمونه دیگر از قالی‌های شکارگاه لچک ترنج مجموعه سنگشکو است. کارشناسانی که به بررسی فرش‌های بر جا مانده از اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم ه.ق. پرداختند بناگاه متوجه شدند که تعدادی از نمونه‌های بسیار نفیس به حدی مشابهند که می‌توان آنها را در گروهی واحد در نظر گرفت. این مجموعه زیر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

عنوان سنگشکو خوانده شد، زیرا که یکی از زیباترین آنها به شاهزاده «رومان سنگشکو» تعلق داشت. رابطه موجود میان این فرش‌ها به طور عمده براساس تشابه‌های رنگ، بافت، و گاهی تکرار نقش معین گردید. البته این دسته از قالی‌ها در رابطه با تاریخ طرح قالی اهمیت خاص دارند.

یکی از فرش‌های این گروه، که پیش از این در مجموعه «تروور» (Trover) قرار داشت، اکنون در تالار مرکزی موزه فرش ایران به نمایش گذاشته شده است. ترنج بزرگی به رنگ سرمه‌ای در مرکز قالی با صحنه شکار که هشت اسب‌سوار با ابزارهایی مانند شمشیر و تیروکمان و نیزه و طناب در حال شکارند، همچنین در دو طرف عرض ترنج دو نفر در حال زانو زدن با تیروکمان به شکار حیوانات می‌پردازند. در ادامه ترنج در بالا و پایین آن دو کتیبه زیبا که نقش حیوانی دارند و در ادامه آنها دو سر ترنج زیبا با نقش طاووس مشاهده می‌شود. همچنین در چهارگوشه متن چهار لچک کرم‌رنگ با نقش نبرد حیوانات (نقش گرفت‌وگیر) و گل‌های ختایی و شکسته به چشم می‌خورد؛ و در متن لاک‌ی آن نقش پر تحرک و پر کاری از شکارچیان در حال شکار و حیوانات در حال گریز نشان داده شده است. در طرفین متن در مرز حاشیه داخلی دو گل شاه‌عباسی به صورت نیمه در طرفین قرار دارد و ۴ نیمه ترنج طرح ماهی دیده می‌شود. بدین‌سان، همه عناصر محور جهان، که تا آسمان‌ها ادامه دارد، منعکس شده‌اند. دنیای زیرین که در تصاویر ماهی جلوه‌گر است، جهان واسطه، که حیوانات در آن زیست می‌کنند و گنبد آسمان، که در این جا مرغان نمایندگان آن هستند.

این قالی از سه حاشیه تشکیل شده است که حاشیه داخلی آن به طور متناوب نمادی از سر انسان و حیوان را نشان می‌دهد و یک حاشیه منحصر به فرد است و حاشیه اصلی که پهن است در برگزیده پیکره‌های رودرروی آدمی در حال ایستاده و نشسته و صحنه‌های نبرد حیوانات در قاب‌های مجزا است. حاشیه بیرونی آن نیز به طور متناوب نقش گل و پرنده را نشان می‌دهد. طرح و نقش این قالی، که به کمال آثار مینیاتورپردازان ترسیم شده است به راستی شاهکار بافندگی است. این قالی بی‌نظیر بافت کاشان است و قبل از انقلاب خریداری و به ایران آورده شده است و قدیمترین قالی موجود در موزه فرش ایران به شمار می‌رود.

نمونه دیگر این دسته قالی‌ها که در موزه هنر و صنعت اتریش در وین است یکی از قالی‌های ایرانی در ابعاد بزرگ است با طرح ترنجی سبزرنگ هشت ضلعی مرکزی شکل گرفته از اژدها در نبرد با سیمرغ. در زمینه صورتی رنگ، با طرح مردان اسب‌سوار با نیزه‌ها، شمشیرها، کمان‌ها و تیرها به شکار شیرها، پلنگ‌ها، گرگ‌ها، خرس‌ها، بز کوهی، گورخر، شغال‌ها و خرگوش رفته‌اند.

در نمایش این شکارگاه آداب و سنن ایرانی کاملاً رعایت شده است. حاشیه این قالی زیبا، چشمگیر و عالی است و در آن ردیفی از فرشتگان بالدار در زمینه‌ای که با نقش پرندگان و نگاره‌های ماریچ و گل زینت یافته در کاسه‌هایی به هم میوه تعارف می‌کنند. این قالی بافت کاشان است و طرح زیبایی آن را نیز به سلطان محمد، نقاش معروف دربار شاه طهماسب و شاگرد بهزاد نسبت می‌دهند.

شکارگاه سراسری

در این دسته از قالی‌ها صحنه شکار سرتاسر متن را به صورت نامتقارن در بر می‌گیرد که موضوع آن برگرفته از مینیاتورهای دوره‌های مختلف بخصوص صفوی یا شاهنامه فردوسی (به شکارگاه رفتن رستم) و داستان‌های خمسه نظامی (شکارگاه بهرام گور).... است و به شکل‌های مختلف بستر قالی‌ها را در بر می‌گیرد.

حال به قالی با صحنه شکار و داستان ایرانی بافت کرمان^۲ (؟) که در قرن دهم هجری قمری بافته شده است و در موزه هنرهای تزیینی پاریس موجود است اشاره می‌شود. در متن قالی فیل سوار و شکارچیان سوار بر اسب یا پیاده در حال شکار حیوانات هستند و در طرفین پایین متن قالی دو سیمرغ به طور قرینه در لابه‌لای گل بوته‌ها و شاخسار درختان بافته شده‌اند. همچنین به طور قرینه در مرکز قالی پیکره زن و مردی که یادآور داستان معروف لیلی و مجنون است جلوه می‌کند. طرح حاشیه اصلی این قالی به طور متناوب ترنج‌هایی از ملائک و نقش گرفت‌وگیر را نشان می‌دهد.

شکارگاه با نقش گرفت‌وگیر

تعدادی از قالی‌ها با نقش حیوانی معروف به گرفت‌وگیر که ترکیبی زیبا از حیوانات را به صورت نامتقارن شکل داده است ترکیبی زیبا بر روی بستر قالی به نمایش می‌گذارند و زینت بخش موزه‌های دنیا هستند. به طور مثال می‌توان به قالیچه‌های با طرح و نقشه گرفت‌وگیر در موزه فرش ایران^۳، موزه هنرهای پاریس و موزه متروپولیتن اشاره کرد.

قالیچه ابریشمی بافت کاشان که قدمت آن به اواسط قرن دهم می‌رسد نمونه آن است که قبلاً متعلق به مجموعه آلمن بوده و در حالی حاضر در موزه متروپولیتن قرار دارد و در متن آن نگاره‌هایی از گل‌ها و بوته‌ها و پرندگان و حیوانات به صورت مجزا یا ترکیبی از نقش گرفت‌وگیر جدال و حوش برای بقا را نشان می‌دهد حتی حیوانات خیالی مانند اژدها و نیز شیر، آهو، گوزن، پلنگ به نوعی از طبیعت الهام گرفته شده‌اند. حاشیه داخلی این قالیچه به طور متناوب پرندگانی مانند قرقاول و گل‌های شاه‌عباسی را در بر گرفته است.

قاب‌قابی شکارگاه

در بعضی از نمونه‌های قالی‌های دوره صفویه این طرح زیبا دیده می‌شود مثل یک نمونه گلیم ابریشمی بافت کاشان از اوایل قرن یازدهم که در مجموعه تایسن (Thyssen) قرار دارد. در متن آن قاب‌ها به طور متناوب تکرار شده‌اند و نقش حیوانات به طور منفرد و گرفت‌وگیر (در حال نبرد) را نشان می‌دهد و حاشیه اصلی آن به طور متناوب نقش کتیبه به شکل افقی و عمودی طرح قرقاول و پرنده دیگر را نشان می‌دهد که با اسلیمی پهن و گلدار تزیین شده است.

امروزه جایگاه اصلی تولید قالیچه‌ها با طرح شکار در قم است. البته در اصفهان، ورامین، کرمان و تبریز نیز این طرح بافته می‌شود که خالی از لطف نیست. مثل طرح زیبا و جاودانه استاد عیسی بهادری «شکار چرخ» که توسط استاد غلامعلی حقیقی بافته شد و طرح و نقش آن موضوع شکار را به زیبایی نشان می‌دهد. در مرکز این قالیچه ترنج مدوری که با پرندگان زیبایی در حال پرواز شکل گرفته است و در متن ترنج شکارچی سوار بر اسب و شمشیر به دست در نبوهی از گیاهان در حال شکار آهوست و سر ترنج‌ها با نقش شاهین‌ها تزیین شده است و در زمینه کف ساده آن اطراف ترنج چهار شاهین در حال گردش و پرواز نشان داده شده است.

در دو لچک بالای متن طرح دو پرنده سیمرغ که به زیبایی در لابه‌لای گل‌های زیبا قرار گرفته‌اند و در دو لچک پایین نقش گرفت‌وگیر با نقوش ختایی زینت داده شده است. در حاشیه اصلی آن طرح سیمرغ‌ها در حال گردش (رقص) که گردش یا رقص آنها را نشان می‌دهد. در این طرح زیبایی گردش و شکار چرخ را می‌بینیم.^۴

۱. یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، سروش، ۱۳۶۹، ص ۲۸۰.

2. Dimand, Mautices, *The Concept of the Hunt in Persian Literature*, William, Hanay, JR. Boston Museum Bulletin p.15-21.

3. Beatie, May H, *Carpets of Central Persia World of Islam*. Festival Publishing L.T.D., 1976, p. 17.

۴. لغت‌نامه دهخدا.